

الفصل الثامن الأمر بالأمر بفعل، أمر بذلك الفعل

صورت مسئله

آیا امر کردن شارع موضوعیت دارد یا طریقت؛ یعنی خود امر کردن را می خواهد یا می خواهد از طریق آن امر به شما امری برسد؟

موضوعیت که دارد؛ زیرا محتوای امر اول است

طریقت دارد یعنی به فعل دوم که محتوای امر است هم اراده شارع تعلق گرفته

این از محتوای کلام معلوم نمی شود و باید از لوازم اراده جدی بفهمیم که این امر است و این امر هم خورده به یک شیئی گویا که من بعث به آن فعل کردم

اثرات

اگر امر دوم نداشته باشیم من وظیفه امتثال ندارم

و جوب امتثال وسیله ای که امر را به من می رساند باید ثابت بشود وگرنه من وجوب امتثال ندارم

اگر خودم شنیدم که شارع به کسی گفت برو به من بگو این کار را بکن آیا می توانم به استناد آن امتثال بکنم

اگر فعلی که می خواهیم انجام بدهیم عبادی باشد دیگر نمی توان نیت امتثال کرد

امر عبادی است و نیت امتثال لازم است پس علم به امر را هم می خواهد

اگر امر توصلی باشد علم به امر را نمی خواهد

آیا در شرع چنین امری را داریم؟

امرهای پیامبر و ائمه

برخی از اوامر اینطوری است که می گوید خدا گفته این کار را بکن یک وقت هم خدا به پیامبر می گوید که تو امر کن

اینجا ما امر شدیم که به حرف فلان افراد گوش بدهید و دیگر محل این بحث نیست

امرهای پدر و مادر

جایی که شارع پدر و مادر را امر می کند به امر به فرزند به نماز

صبیان را امر به اطاعت نکرده است آیا اینجا اعمال بچه شرعی است یا تمرینی؟

در معاملات هم زیاد این حالت پیش می آید

روش حل مسئله

کشف اراده جدی است؛ که آیا اراده جدی متکلم به امر دوم هم گرفته است یا نه

روش ظهور اراده جدی و لازمه گیری عقلایی است

جواب مسئله

طبیعت دوم موضوعیت دارد و امر کردن طریقت دارد

دلیل هم ظهور است

عقلا می گویند که اراده جدی به امر دوم هم صورت گرفته است

